

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۰۱۰/۲۷/۸

توطئه های جهانی امپریالیسم: افریقا ۲

در تحریر گذشته، پیرامون توطئه های جهانی امپریالیسم در مجموع نظرافگنی شد. حال توجه خود را بر مناطق مختلف جهان معطوف داشته و قاره افریقا را که آماج فعالیت های سیاسی و نظامی امپریالیسم شده است، مورد موشکافی قرار می دهیم. توسعه طلبی امریکا به سوی قاره افریقا بر مبنای حرص همیشگی امپریالیسم در چپاول مواد خام، افزایش نفوذ سیاسی و از صحنه به در ساختن رقبای جهانی اش استوار است. غصب منابع زیر زمینی مانند تیل و گاز، سنگ های قیمتی و سایر منابع غنی برای چرخاندن اقتصاد سرمایه داری حتمی است. در آوانیکه امریکا روز های طلانی خود را پایان پذیر می یابد، نیرو های دست راستی همراه با مامورین مذهبی مسیحی این کشور برای تمدید حاکمیت جهانی امریکا در تلاش و تکاپو افتاده اند. قاره نسبتاً دست نخورده افریقا این آرزو را در دل امپریالیسم جا داده است.

بازی های امپریالیستی از ابتکارات دیپلماتیکی آغاز شده و با در نظر داشت موفقیت و عدم موفقیت سرانجام به مداخلات نظامی می انجامد. امپریالیسم در به دام انداختن رهبران کشور های مورد نظر از دیپلماسی دلجوینانه استفاده می کند. اگر دیپلماسی برای امپریالیسم موفقیت

آمیز بود، استعمار از همین جا آغاز می شود. در صورت ناکامی، امپریالیسم وارد مرحله تشویق و ترغیب می گردد. نظر به افشاءگری مولف کتاب "اعترافات یک جانی اجیر اقتصادی" (Confessions of an Economic Hit Man)، امپریالیسم هیأت "حسن نیت" اقتصادی را نزد زعیم و یا زعمای همان کشور می فرستد تا او را به قبولی پیشنهادات کشور متبوعه اش ترغیب نماید. درین مرحله، هیأت اقتصادی سعی می کند که با اعطای تحایف، رشوت های نقدی و پیش کردن احتمالی جنس لطیف، زعامت ضد ملی یک کشور فقیر را به دام اندازد. اگر این ابتکار امپریالیستی هم کارگر واقع نشد و زعامت مملکت مورد هدف زیر بار نرفت، سی آی ای وارد صحنه کارزار می شود تا رهبر سرکش را ترور نماید. در چنین ترور ها از جانیان حرفه نی داخلی و یا خارجی استفاده می گردد و ممکن یک تن یا شاید چند تن در حلقه نابود شوند، اما نظام سیاسی و اقتصادی دست نخورده باقی می ماند. تعویض افراد معنی تغیر نظام را نمی دهد. در صورتیکه سی آی ای موفق به عملی ساختن توطئه نگردد، امپریالیسم امریکا دست به یورش نظامی زده و به کشور مورد نظر تجاوز میکند و نظام بر سر اقتدار را منهدم و زعامت آن را نابود نموده و یا فراری می سازد. امریکا در نهایت دست نشادگان خود را در رأس امور می گمارد تا طرح های استعماری اش را قدم به قدم به مرحله اجراء بگذارند. ما تطبیق تمام این مراحل امپریالیستی را در عراق و افغانستان مشاهده کردیم و در آینده هم شاهد حوادث خونبار مشابه خواهیم بود.

امریکا برای حاکمیت جهانی خود و غارت منابع کشور های دیگر به تعداد تقریبی ۷۵۰ مراکز نظامی دور دنیا تأسیس نموده است که مصارف نگهداشت آن بالغ بر ۲۷۰ بیلیون دالر در سال میشود. بهانه جنگ علیه ترور بهترین وسیله برای پنتاگون و سایر پالیسی سازان امریکا است که بتوانند مردم خود را بفریبند و روش های امپریالیستی این کشور را در سطح جهانی به حق جلوه دهند. عنصر رقابت با چین میتواند زمینه ساز انگیزه های تازه ای برای مداخله در افریقا و یا شرق دور گردد. دروازه های افریقا از قبل به روی چین باز شده است و این امریکا را وارخطا و درمانده ساخته است. چین سابقه استعماری ندارد و مردم افریقا هم به سوی چین با نظر شک و تردید نمی بینند در حالیکه اعمال و کردار ضد انسانی استعمارگران سفید و ظلم و ستم آنها بر مردم آن قاره هنوز در خاطره ها زنده است. امریکا سعی دارد که رقبا را از تیاتر افریقا بدر کند و خود نقش گذشته استعمارگران اروپائی را بازی نماید.

دسترسی به مواد خام قاره آفریقا و از صحنه بدر کردن رقبای ستراتیژیک در تیاتر جهانی، امریکا را در تأسیس "مرکز فرماندهی افریقائی امریکا" (AFRICOM) در سال ۲۰۰۷ تشویق نمود. این مرکز فرماندهی ظاهراً به بهانه تأمین صلح و امنیت، توسعه دموکراسی و رشد اقتصادی به وجود آمد، لکن هدف اصلی تأمین منافع ستراتیژیک امریکا در قاره آفریقا بوده است. مردم آفریقا از طرح های امپریالیستی امریکا خوب واقفند و میدانند که امریکا در غایت چه مصیبتی را برای آنها خلق خواهد کرد، طوریکه در افغانستان و عراق تجربه گردید. با وجودیکه امریکا ساختار "افریکوم" را طوری عیار ساخته است که برای افریقانیان خوش طعم و دلپذیر باشد و بهتر بتواند آنها را به دام افگند، لکن یک تعداد از کشور های آفریقا به موجودیت فزیک "افریکوم" در آن قاره اعتراض نمودند. این کشور ها آگاه اند که "افریکوم" برای تحمیل نظام های ضد ملی، ترور زعمای مردمی و در نهایت انهدام نظام خلاف منافع امریکا در آفریقا فعالیت خواهد داشت. بنابراین امریکا با درک حساسیت موضوع، "مرکز فرماندهی افریقائی امریکا - AFRICOM" را در شهر شتوتگارت جرمنی مستقر نمود تا مورد اعتراض ملی گرایان و نیرو های پیشرو انقلابی در آفریقا قرار نگیرد. اما برای همه آشکار است که عدم موجودیت فزیک افریکوم در آفریقا، طبیعت امپریالیستی امریکا را در به دام انداختن کشور های افریقائی هرگز تغییر نمی دهد. امریکا میتواند برای تأمین منافع ستراتیژیک خود که تجاوزات را هم در بر دارد از فاصله ها دور عمل کند.

غرض رفع حساسیت و فریب ستراتیژیک رهبران آفریقا، ساختار افریکوم طوری است که قوای عظیمی را در خود ندارد بلکه صرف یک تعداد معدودی از نظامیان در پهلوی افراد ملکی فعالیت دارند که از حمایت قوای کوچکی در کشور جیبوتی برخوردار اند. این تشکل و ساختار، چابکی و سیالیت مداخله امریکا را سرعت می بخشد. باید یادآور شد که امریکا میتواند قوای بزرگتری را برای رسیدن به اهداف ستراتیژیک در آفریقا طبق تقاضای وقت آماده ساخته و گسیل دارد. برای این منظور امریکا "مکان های عملیاتی پیشرو" را در کشور های متمایل به امریکا مانند کینیا، مراکش، تونس، حبشه، مالی، سینیگال، زیمبیا و نامیبیا به وجود آورده تا ممد مداخلات آینده امریکا در آفریقا شود. این مکان های عملیاتی در واقعیت برای تسلط بر منابع طبیعی و

انحصار غصب مواد خام آن قاره خلق گردیده تا امریکا بتواند اراده خود را به زور یا به رضاء بر قاره افریقا تحمیل نماید و رقباى خود را کنار بزند.

على رغم آمادگى هاى قبلى و جاگزینی نیرو ها، آیا امریکا خواهد توانست که به اهداف استعماری خود نایل شود و ثروت افریقا را به آسانی به یغما ببرد؟

در بُعد قاره ئی، تاریخ مبارزات مردم افریقا به این سؤال جواب منفی می دهد. مردم افریقا به استثنای چند رهبر خاین و ضد ملی اش، از استعمارگران سفید نفرت عمیق دارند. چه وحشت و حیوانیتی نبود که سفیدان "متمدن" در افریقا انجام ندادند. همچنان کشتار و بربرمنشی امریکا در افغانستان و عراق مردم افریقا را دقیقاً متوجه ساخته است که چه آینده ناگواری در پیش خواهند داشت که اگر امریکا به کشور های مورد نظر در آن قاره رخنه نموده و بعداً تجاوز نماید. چور و چپاول، بی ناموسی، ویرانگری و انسانکشی جزء روش های روزانه امریکا در افریقا خواهد شد، طوریکه این اعمال ضد بشری امریکا را در افغانستان و عراق مشاهده می کنیم. مردم این قاره نسبت به گذشته بیدارتر و هشیارتر شده اند و میتوانند منافع ملی را بر منافع بیگانگان ترجیح دهند و استقلال کشور های خود را نگهدارند.

در بُعد جهانی، قدرت های تازه نفس مانند چین امریکا را در افریقا آسوده نخواهند گذاشت که اسب خود را چهار نعل بدواند. روسیه آهسته آهسته از حالت نزع خارج می شود و دوباره در صحنه سیاست جهانی عرض اندام می کند. قاره افریقا از نظر پالیسی سازان کریملین به دور نمی ماند و شاید هم نزدیکی های عصر شوروی با بعضی کشور های افریقائی تجدید گردد. دروازه های افریقا قبلاً به روی چین باز شده و امتعه چینی به وفرت در بازار افریقا دیده می شود. چین همچنان توانسته است که قرارداد های تجارتي و نظامی قابل توجهی با یک تعداد کشور های افریقائی ببندد و استخراج معادن آن ها را به عهده گیرد. دادوستد نظامی و اقتصادی چین و روسیه با افریقا برای ستراتژی قاره ئی امپریالیسم امریکا زنگ خطر بزرگی خواهد بود و ستراتژی تجاوزی این کشور را به موانع جدی مواجه خواهد ساخت.

یه یقین میتوان گفت که امریکا کرزی ها و مالکی های متعددی را برای یورش نظامی اش در
افریقا تربیه کرده است، اما بدون کمترین تردید میتوان اذعان نمود که چرخ دهنده تاریخ در
نهایت مردم رنجبر افریقا خواهند بود. امپریالیسم مانند سایر نقاط جهان در افریقا هم به
شکست های جبران نا پذیری مواجه خواهد شد و توده های عظیم افریقا پیروزمندانه سرنوشت
خود را در دست خواهند گرفت.